



اگر چه خرم تاع صدق دل که سالهاست بر طبق

اخلاص که آتش شده است هدیه دیگر که قابل

انحضرت باشد بنظر نمی آید اما چون منظور از یاد بود

یاد آوری رسم الفت است که افزونی قدر و قابلیت

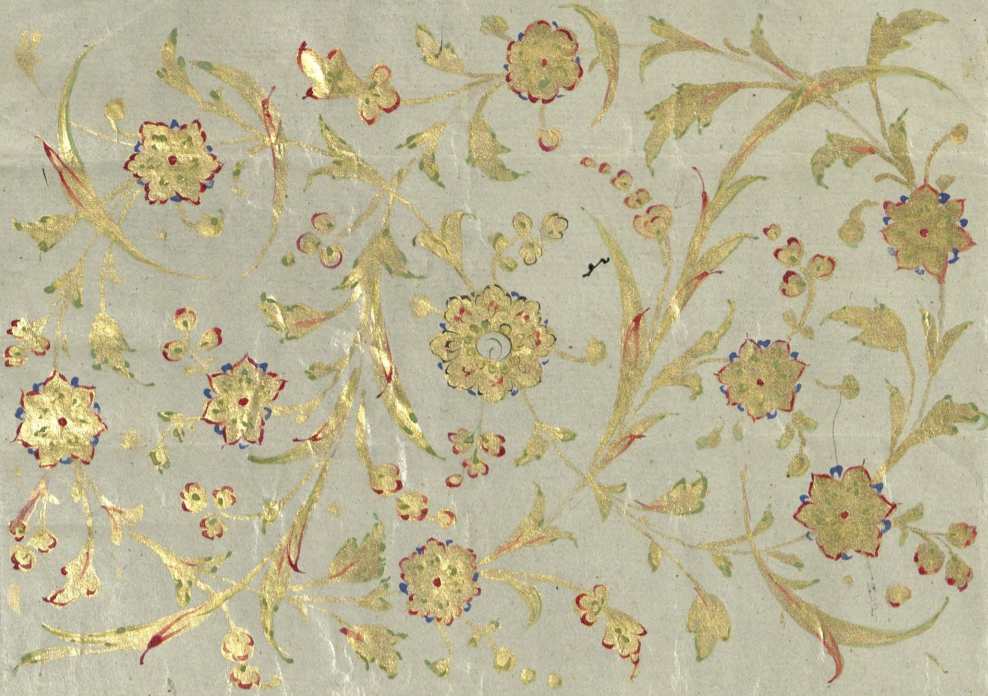
در نوقت که عالجه هنری اس روانه اندر بار بود چو

انگشته ز مرد ^ت انگشته فروزه ^{شال رضای سلسله دار}

که نشانی از متعه یکا سخی است مصحوب او ارسال شد ^{دو طاقه}

چاپاری عالجه مشارالیه هم برای عدم قابلیت دبود غدر
خوانی جدا گانه می تواند شد مدت دولت پاینده باد

Geo Add 31/11



مکتوف رای مالک پرامیداً که قبل ازین که عالیجاه پچی
کامدو
لا بد

سرکوراوری ربونت عازم مراجعت بود از مقاصد اندوخت
دل بود

زبان و قلم آمده مشروحاً سفارش و نکارش شد اکنون که عالیجاه

هنری اسلمی مختار روانه اندر بار بود نیز تازی کیفیت حال عالی

همین قدر کاشیه صدقت مشود که امروز او از هدرت و شوکت
ت

و حمایتی که نسبت بدوستان داشته و دارند در تمام روی زمین
مشیت

و راستی و دوستی و اتحادی که داشته و داریم از قباب آسمان روشن

اربعیت صلی همان هم دور نیست که آنچه از نهایت حدیوانه در باره و کرد و

شیده ام در کفایت کار دوستداری چون خود بنیم مطلب این دولت هم

بر انحضرت ظاهرست که محتاج باطنانیت و انجام آن در جنب همست

پادشاهانه دشوار نه شایسته نیست که ما را از خود دستگیر کار این دولت را
کار اند دولت شمارند و آنچه شایان شان شوکت خود و صدق
محبت ما باشد در هر باب ظاهر سازند مدت شوکت ما بنده باد
دوست صدقت اس
عباس

بظرفیض منظر ولعید پادشاہ و نچاہہ انجمنستان برسد

Geo Add 31/11